

اشاره

انتشارات گل آقا در سالی که گذشت کتاب «دخوی نابغه» را که به همت آقای ولی‌الله درودیان گردآوری شده بود، تقدیم به علاقه‌مندان طنز دهخدا کرد.

نسخه‌ای از این کتاب توسط ایشان برای خانم دکتر تن هوی جو رئیس بخش زبان و ادبیات فارسی و رئیس مرکز پژوهش‌های فرهنگ ایران دانشگاه پکن فرستاده شد و متوجه شدیم که ایشان مقاله‌ای درباره‌ی طنز دهخدا نوشته‌اند که در گردهمایی استادان و مدرسان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های چین ارائه شده است. دکتر تن هوی جو خلاصه‌ای از مقاله خود را برای آقای درودیان فرستادند و ایشان نیز خوانندگان سال‌نامه گل آقا را از مطالعه‌ی آن بهره‌مند کردند. از لطف و توجه ایشان سپاسگزاریم.

رساله‌ی «طنز دهخدا» را بر مبنای سخنرانی خود و بحث و گفت و شنود پیرامون آن در مجلس گردهمایی استادان و مدرسان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های سراسر چین نوشته‌ام. این گردهمایی در ماه آوریل سال ۱۹۹۳ در چین با همکاری دانشگاه پکن و دانشگاه تربیت معلم در شهر تین جین برگزار شد. در گردهمایی مزبور علاوه بر استادان و مدرسان زبان و ادبیات فارسی، عده‌ای از استادان دعوت شده‌ی خارجی، گروهی از استادان رشته‌های ادبیات تطبیقی و نویسندگان و شاعران و شخصیت‌های ادبی چین هم به عنوان مهمان افتخاری حضور داشتند و

مباحث و سخنرانی‌ها را با دقت و علاقه‌مندی دنبال می‌نمودند.

در این نوع مباحث گاه به مناسبت، مطالبی مطرح می‌گردد که برای اشخاص متفمن تازه‌گی و آموزندگی دارد ولی برای متخصصان این نوع مطالب عادی و خالی از فایده است. به همین سبب هنگام آماده‌سازی و چاپ این رساله به زبان چینی، بر حسب ضرورت و به اقتضای زمینه‌ی ذهنی مخاطبان، مطالب اختصاصی مربوط به ادبیات فارسی گسترش یافته و مباحث جنبی و جانبی مرتبط با ادبیات چین کوتاه شده یا به کلی حذف گردیده است. ولی در ترجمه و تحریر خلاصه‌ی مطالب به زبان فارسی، یعنی تحریر کنونی، بهتر دیدم آمیخته‌ای از بعضی از مطالب سخنرانی که در چاپ حذف شده با آن چه در متن چاپی آمده صورت بگیرد تا سودمندتر باشد. در آغاز به زندگی دهخدا بر مبنای متداول احوال او پرداخته‌ام و بعضی از نکاتی که برای نشان دادن شخصیت دهخدا لازم به نظر می‌آمد از خاطرات پراکنده یا نامه‌های او و سایر اسناد و مدارک نقل شده است. خوانندگان ایرانی با احوال دهخدا آشنایی کامل دارند و تفصیل آن مطالب در این جا ضرورت ندارد. در زندگینامه‌ی دهخدا بر این نکته تأکید شده که دوران بازورِ عمر او را به دو دوره می‌توان تقسیم کرد:

۱ - دهخدا‌ی روزنامه‌نگار ۲ - دهخدا‌ی محقق و صاحب‌نظر در ادبیات، پس از بازگشت از بختیاری. در مرحله‌ی دوم زندگی، دهخدا در واقع منش و روش واقعی خود را باز یافته بود و به کارگردآوری و تدوین دایرةالمعارف جامع زبان فارسی که آن را در بختیاری شروع کرده بود و اینک به نام «لغت‌نامه‌ی دهخدا» معروف است، همت گماشت. در آن روزها من مشغول ویرایش فرهنگ وفایی بودم که بعداً توسط انتشارات دانشگاه تهران چاپ و منتشر شد و نخستین فرهنگ جامع زبان فارسی است که در چین تألیف شده است. به همین سبب ضمن اشاره به فرهنگ وفایی مروری کوتاه بر چگونگی فرهنگ‌نویسی فارسی نمودم و انگیزه‌ی علاقه و توجه دهخدا به تدوین لغت‌نامه مورد بررسی قرار گرفته است.

طنز دهخدا موضوع اصلی و اختصاصی این گفتار است. ابتدا درباره‌ی طنز و مشکل درک و ترجمه‌ی آن از یک زبان به زبان دیگر بحث شده است. در واقع وظیفه‌ی مترجم موفق در این زمینه چیزی بیش از ترجمه و عبارت است از نقل عناصر و مفاهیم یک فرهنگ به فرهنگ دیگر. درباره‌ی ترجمه به طور کلی خاطر نشان ساخته‌ام که اگر خیلی از اشعار شاعران بزرگ را به هر زبانی که باشد حتی با زبان و کلمه‌های اصلی هم به نثر تبدیل کنید، یک چیز معمولی و عادی می‌شود. چه برسد به این که مثل کار ترجمه‌ی آثار قدیمی به نثر معاصر یک زبان دیگر تبدیل گردد. در همه‌ی ادبیات جهان همین طور است، اشعار لی بای، دوفو، وانگ وی، سو شی، لی چینگ جایی (شاعره‌ی بزرگ چین)... یا کتاب مهم ادبی چین «حون لومونگ» یعنی رویای



عمارت سرخ نوشته‌ی چائو سوی چینگ را هم نمی‌شود به هیچ زبانی آن طور که شایسته است ترجمه کرد. خیلی از اشعار شاعران بزرگ چین را وقتی از ساختمان شعری و واژه‌های اصلی و قدیمی به زبان امروزی چینی در بیاوریم، یک چیز ساده می‌شود. مثل یک انشا. آن وقت شاید کسی که چینی نمی‌داند تعجب کند که چرا این شاعر این قدر در بین ملت خودش معروف است و محبوبیت دارد! حالا در ترجمه‌ی یک اثر ادبی که باید به یک زبان دیگر با ویژگی‌های خودش و به یک فرهنگ دیگر و به یک جهان‌بینی دیگر منتقل شود، معلوم است هر چند که مترجم دانا و مسلط باشد، فقط مقدار کمی از زیبایی‌ها و ظرافت‌های ادبی را می‌تواند انتقال بدهد یا بهتر است بگویم بازسازی کند. مثل شوخی‌ها و طنزهای یک ملت که ممکن است برای همان ملت خیلی جالب و معنی‌دار باشد، ولی ملت دیگر و زبان دیگر که دیدگاه و فرهنگ جداگانه دارد نکته‌های ظریف آن را نمی‌تواند حس کند و گاهی چیز خیلی بی‌مزه و غیرقابل توجهی می‌شود. مثل خیلی از قسمت‌های «چرند پرند» دهخدا که خواننده‌ی چینی یا خارجی نمی‌تواند طنز آن را حس کند و همین طور خیلی از نوشته‌های لوسیون طنزنویس مشهور چین آن لطف و مزه‌ای را که برای چینی دارد، برای یک خارجی ندارد. خود من واقعاً درمانده‌ام که در این جا چه طور بعضی از قسمت‌های چرند پرند ترجمه شود که طنز آن مشخص و گیرا باشد یا آغاز یا شکوه شعر «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» و آن ارتباط مناسب را که در زبان فارسی میان کلمه‌ی «مرده» به معنی

اصلی کلمه و به معنی خاموش شده وجود دارد و تناسب آن با موضوع شعر که درباره‌ی کشته شدن دوست روزنامه‌نگار و آزادی خواه شاعر است، بتوان در ترجمه نشان داد. به طوری که به شکوه شعر خدشه نرسد زیرا در زبان چینی برای آن مفهوم، یک کلمه که مثل فارسی هر دو معنی را بدهد نیست. سپس ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی و ادبی عصر دهخدا در چین و ایران مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته. شرایط مشابه هر دو عصر موجب گردید که نوع خاصی از طنز و انتقاد اجتماعی و سیاسی با زبان ساده‌ی مردمی، همزمان در چین و ایران پدید آمد. این طنزپردازی از لحاظ مضمون و کاربرد زبان خاص و نوآورد به طرز جالب توجهی به هم نزدیک و شبیه است، بدون این که طنزنویسان در آن دوره که هیچ گونه ارتباط مستقیم یا حتی غیرمستقیم فرهنگی بین چین و ایران وجود نداشت، اطلاعی از کار هم داشته باشند یا تأثیری از هم گرفته باشند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و مشخصات این تحول ادبی در چین و ایران از بین رفتن کارآیی زبان کلاسیک در خلق آثار ادبی و جایگزین شدن زبان عامیانه است در نثرنویسی و نویسندگی. زبان طنز در آثار کلاسیک ادبیات فارسی مانند رساله‌های عبید زاکانی و فخرالدین صفی زبان ادیبانه و فاخر است، در آثار کلاسیک چینی هم زبان طنز ادیبانه بوده است.

نهضت ترجمه‌ی آثار ادبیات خارجی در چین و ایران همزمان روی داده و بسیاری از ابعاد آن یکسان است. به دنبال نهضت ترجمه در اوایل قرن بیستم، که مصادف با آخرین سال‌های حکومت سلسله‌ی چینگ در چین بود، انقلاب ادبی چین در چهره‌ی اولین نماینده‌ی پیشتاز خود به نام چن توسیو جلوه‌گر شد. وی مجله‌ای به نام نسل جوان انتشار داد و در سال‌های ۱۹۱۷ - ۱۹۱۶ اولین بیانیه‌های نهضت را به چاپ رسانید. این معلم جوان که به تازگی از آمریکا بازگشته بود افکار انقلابی خود را در نوشته‌های ادبی بیان کرد و از نویسندگان خواست که از به کار بردن اصطلاحات و واژه‌ها و زبان کلاسیک که برای عموم مردم قابل فهم نبود خودداری کنند و اندیشه‌های خود را در قالب زبان مردمی و همگان فهم یعنی زبان روزمره عرضه کنند.

هو - شی نویسنده‌ی بزرگ چین نیز به تقویت و گسترش این نهضت که «موج نو» نام گرفت بسیار کمک نمود و از آن پشتیبانی کرد. این نهضت با نهضت ادبی ایران در عصر دهخدا و نقش روزنامه‌ها، به ویژه صوراسرافیل و مقالات چرند پرند دهخدا، در ترویج زبان عامیانه وجوه مشترک و شباهت‌های بسیار زیاد دارد.

هو - شی از نویسندگان و تاریخ‌نگاران و نوآوران بزرگ در تاریخ ادبیات و فرهنگ چین است. وی مدتی رئیس دانشگاه پکن بود و در همان وقت صدارت مائو نیز در کتابخانه‌ی دانشگاه پکن اشتغال داشت.

هو - شی به شعر و ادبیات فارسی و مخصوصاً خیام بسیار علاقه‌مند بود و از نخستین

全国第二届伊朗文学研讨会论文

德胡达和他的杂文

北京大学东方学系

廖慧殊

一九九三年四月

روی جلد کتاب طنز دهخدا نوشته حامد تن هوی به زبان چینی

کسانی است که همزمان با گموژو شاعر بزرگ چین و اولین مترجم رباعیات کامل خیام به زبان چینی - با ترجمه‌ی شیوای تعدادی از رباعیات خیام - این شاعر و متفکر بزرگ ایرانی را به جامعه‌ی ادبی چین معرفی کرد. مباحثات قلمی هو - شی با سیوجی مو شاعر بزرگ چینی درباره‌ی خیام و چگونگی انتخاب قالب مناسب برای ترجمه‌ی اشعار او به چینی مشهور است. باری بر اثر تلاش‌ها و راهنمایی‌های هو - شی لهجه‌ی معمول «ماندارین» به صورت زبان ادبی «پی هوا» در آمد و هو - شی با شهامتی که ناشی از ایمان او به کار و هدف خود بود در سال ۱۹۱۹ «تاریخ فلسفه‌ی چین» را به زبان ساده‌ی مردم نوشت و کوشش‌های او هم بی‌نتیجه نماند زیرا در حدود پانصد روزنامه و مجله این زبان را برگزیدند و «پی هوا» زبان رسمی مدارس گردید. در بین طنزنویسان معاصر چین شیوه‌ی کار و نوع مضامین دهخدا، صرف‌نظر از حجم کم‌تر کار او، با لوسیون (۱۸۸۱ - ۱۹۳۶) طنزپرداز مشهور چین تا حد زیادی قابل مقایسه است. چوشوژن که بیشتر با نام مستعار خود لوسیون شهرت دارد، بعد از بازگشت از ژاپن به قصد بیدارسازی و هشیاری هموطنان خود به نویسندگی پرداخت تا این که در سال ۱۹۱۸ داستان کوتاه وی به عنوان «خاطرات یک دیوانه» مورد توجه قرار گرفت و باعث شهرت او شد. وی در این داستان از آیین کنفوسیوس به شدت انتقاد کرده است. آثار لوسیون مانند نوشته‌های دهخدا بیشتر رنگ انقلابی و اصلاح‌طلبی دارد و مقالات انتقادی او گزنده و بی‌ملاحظه است. لوسیون

در نوشته‌های خود از بعضی از ساختارهای جامعه‌ی سنتی چین بی‌پروا انتقاد کرده است. موضوع بسیاری از این نوع نوشته‌های او با مقالات و نوشته‌های دهخدا شباهت دارد. نوشته‌های انتقادی لوسیون در دو مجموعه به عنوان «ناهان» (فریادها)، «یانگ هوانگ» (تردیدها) انتشار یافته و از مشهورترین آثار ادبیات معاصر چین است.

در پایان مروری کوتاه شده بر شعر دهخدا و ضمناً اشاره به اشعاری از دهخدا که قبلاً به زبان چینی ترجمه و درگزیده‌های ادبیات فارسی در چین چاپ شده است. این نکته‌ی مهم را هم خاطر نشان ساخته‌ام که دهخدا در نثرنویسی به ساده‌نویسی و استفاده از زبان و واژگان و اصطلاحات عامیانه توجه داشته و حتی در مواردی کلمه‌ها و فعل‌ها و عبارات‌های شکسته محاوره‌ای را به همان صورت زبان گفت و گو به کار می‌برد و از کاربرد زبان ادبی و رسمی خودداری می‌کند، ولی زبان شعر طنز دهخدا، به ویژه اشعاری که از گروه چرند پرنده نباشد، آمیزه‌ای از واژگان و تعبیرات ادبی با زبانی عامیانه و روزمره است. در کنار لغات و تعبیرات متروک و مهجور زبان فارسی که بعضی از آن‌ها فقط در حدود هزار سال پیش در دوره‌ی آغاز شعر فارسی و رواج سبک خراسانی به کار می‌رفته کلمات و تعبیراتی کاملاً عامیانه و عوامانه به کار برده است. و این زبان چنان آمیخته با ذوق و سلیقه آراسته شده و جا افتاده است که تفاوت و اختلاف سبک ناپهنجار نمی‌گردد. به عنوان نمونه‌ی شاخص از این طرز سخن به شعر «دانم! دانم!» یا «مهمان چینی» دهخدا اشاره شد که با داشتن ۹۰ بیت یکی از بلندترین سروده‌های او در طنز است. ضمناً هویت چینی دادن به یکی از شخصیت‌های اصلی روایت، نشانه‌ی علاقه‌ی دهخدا به چین است و گفته شد که ما چینی‌ها باید از این نوع ابراز علاقه‌ی سخنوران بزرگ ایران نسبت به چین سپاسگزار و قدردان باشیم. دل‌بستگی شاعران و نویسندگان ایران به چین از دیر باز تا به حدی است که تقریباً دیوان هیچ یک از شاعران بزرگ ایران نیست که بارها ذکر چین یا اشاره به زیبایی‌ها و طرفه‌های چین در آن نیامده باشد.

در آخر چند بند از ترجمه‌ی مسمط «یادآر ز شمع مرده...» خوانده شد که بسیار مورد توجه و تحسین قرار گرفت.

آقای له شی یو شاعر مشهور معاصر تحت تأثیر فضای جلسه و شکوه شعر و ادب فارسی شعری سرود که در مجله‌های ادبی چاپ شده و ترجمه‌ی آن را به عنوان حسن ختام در این جا می‌آورم:

گردهمایی اهل شعر و ادب، در شهر تین چین

سرود ترانه‌های کهن فارسی در انداخته

دو بیتی‌های فارسی که همزاد چامه‌های عصر «هان» است

نشان پیوند دیرینی است که چونان راه ابریشم
در طول تاریخ، چین و ایران را به هم پیوسته و پایدار مانده است
دوستان مرا مهمان می‌خوانند
محفل شعر سرشار از شادی و صفا و همدلی است
شعرهای «تنگ» شورانگیز و دلنشین است
ترانه‌های «لی‌بای» جان پرور و روح‌نواز است
و رباعیات خیام بر تارک شعر جهان جاودانه می‌درخشند.*

منتشر شد:

سفرنامه‌چه

گلگشت در وطن

نوشته: ایرج افشار

گردآوری: بابک، بهرام، کوشیار و آرش افشار

نشر اختران - تلفن کتابفروشی ۶۶۴۱۱۴۲۹ - ۶۶۹۵۳۰۷۱

E - mail : @ akhtaranbook. com